

## اصل «لزوم ارائه تمامی جهات قانونی در دعوا» در رویه قضایی فرانسه

اسماعیل شایگان\*

### مشخصات رأی

شماره رأی: ۵۴

تاریخ: ۷ ژوئیه ۲۰۰۶

خواسته: رعایت جهات قانونی در دادرسی

مرجع رسیدگی: دیوان عالی کشور فرانسه - هیأت عمومی

**چکیده رأی:** «خواهان، مکلف است تمامی جهات [قانونی] را که از نظر وی مبنای دعوا را تشکیل می‌دهد در دادرسی راجع به نخستین دعوی اقامه شده ارائه نماید».

### یادداشت مترجم

اعتبار امر قضاوت شده، طرح مجدد دعوایی را که پیش‌تر مورد رسیدگی و قضاوت قرار گرفته است ممنوع می‌نماید مشروط بر اینکه در هر دو دعوا اصحاب، موضوع و سبب دعوا یکسان باشند. رویه قضایی فرانسه به‌طور سنتی تغییر مبنای حقوقی دعوایی را که پیش‌تر مورد رسیدگی واقع شده است تغییر سبب دعوا، تلقی و علی‌رغم اتحاد طرفین و موضوع دعوا، دعوی جدید را فاقد اعتبار امر قضاوت شده دانسته، آن را قابل رسیدگی اعلام نموده بود. برای نمونه، هیأت عمومی دیوان عالی کشور فرانسه در رأی مورخ سوم ژوئن ۱۹۹۴، اعتبار امر قضاوت شده دعوی بطلان قرارداد بر مبنای اعتبار رضای طرف قرارداد را

\* دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه پاریس ۲، پانتئون آسس



مانعی برای اقامه دعوی جدید بطلان قرارداد بر مبنای قیمت واقعی، ندانسته است.<sup>۱</sup> با این همه، هیأت عمومی دیوان عالی کشور مزبور در رأی صادره (هفتم ژوئیه سال ۲۰۰۶)، مفهوم سنتی «سبب» در اعتبار امر قضاوت شده را مورد تردید قرار داده است. براساس محتویات پرونده منتهی به رأی پیش گفته،<sup>۲</sup> خواهان (آقای ژیلبرت) در دعوی که علیه برادر خود اقامه می نماید اظهار داشته است سالیان متمادی در شرکت متعلق به پدرش کار کرده، بی آنکه پدر حق الزحمه او را پرداخت نموده باشد. فلذا بعد از درگذشت والدین خود، دعوی خود را با خواسته مطالبه حقوق معوقه به مدت ۲۳۰ ماه به همراه سود متعلقه از تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۹۲، علیه برادر خود (آقای رنه - دیگر ورثه متوفی) در دادگاه شهرستان «آژان» اقامه می نماید. این دادگاه پس از رسیدگی، با این استدلال که خواهان قرارداد موضوع مواد ۳۲۱ - ۳۲۳ قانون کشاورزی مبنی بر انجام کار در شرکت متوفی را ارائه نکرده، وی را با صدور رأی مورخ ۳۱ مارس ۱۹۹۸ محکوم به بی حقی می نماید. رأی صادره به دلیل عدم تجدیدنظرخواهی قطعی می شود.

محکوم علیه مجدداً دعوایی را در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۸ با خواسته مطالبه همان مبلغ، این بار بر مبنای حقوقی دارا شدن ناعادلانه در همان دادگاه اقامه می نماید و این دادگاه با این استدلال که دعوا پیش تر، رسیدگی و منتهی به صدور حکم شده است قرار ردّ دعوا را صادر می کند (۲۲ مارس ۲۰۰۱). با تجدیدنظرخواهی از رأی صادرشده، تجدیدنظرخواه در دفاعیات خود اعلام می دارد که تنها آنچه که به موجب دادنامه مورخ ۳۱ مارس ۱۹۹۸ مورد قضاوت قرار گرفته (حقوق معوقه بر مبنای قانون کشاورزی)، واجد اعتبار امر قضاوت شده است. بنابراین، دعوایی که برای بار دوم بر مبنای دارا شدن ناعادلانه طرح گردیده، فاقد اعتبار امر قضاوت شده می باشد. بر این اساس، فسخ رأی مرجع نخستین و محکومیت تجدیدنظرخوانده به پرداخت مبلغ مندرج در دادخواست نخستین و خسارات دادرسی را تقاضا نموده است.

1. Assemblée plénière., 3 juin 1994, Bull. civ., n°4.

2. Assemblée plénière., 7 juillet 2006, Bull. civ., n° 8.

در مقابل، بنا به دفاع تجدیدنظرخوانده، سبب در هر دو دعوا یکسان است. از نظر وی، تجدیدنظرخواه مفاهیم «سبب» و «جهت» را خلط نموده و بر این مبنا ردّ دعوی تجدیدنظر را درخواست کرده است. دادگاه تجدیدنظر نیز پس از رسیدگی، با این استدلال که تغییر امر حکمی به معنای تغییر سبب دعوا تلقی نمی‌شود، با تأیید رأی نخستین، قرار ردّ دعوی تجدیدنظر را صادر می‌کند.

با فرجام‌خواهی محکوم‌علیه از رأی دادگاه تجدیدنظر، شعبه ۲ دیوان عالی کشور فرانسه موضوع را جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی دیوان عالی کشور ارجاع می‌نماید. هیأت عمومی دیوان مزبور پس از شنیدن نظریه نماینده دادستان کل کشور، در تاریخ ۷ ژوئیه ۲۰۰۶ نسبت به موضوع تصمیم‌گیری نموده است.

براساس رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور فرانسه - که ترجمه آن در ذیل بیان خواهد شد - تفسیر نوینی از مفهوم «سبب» به عنوان یکی از عناصر سه‌گانه اعتبار امر قضاوت‌شده، ارائه شده است. از نظر این مرجع قضایی، تغییر مبنای حکمی یا قانونی دعوا به معنای تغییر سبب دعوا تلقی نمی‌شود تا خواهان بتواند به استناد آن، مبادرت به طرح مجدد دعوا نماید. به بیان دیگر، این رأی دیوان عالی کشور، طرفین دعوا را مکلف نموده است تا تمامی جهات حکمی ادعای خود را در دعوایی که برای نخستین بار طرح می‌نمایند به دادگاه تقدیم کنند. از این تکلیف اصحاب دعوا که مطابق رأی مورد بحث وارد حقوق موضوعه فرانسه شده است، با عنوان اصل «لزوم ارائه تمام جهات حکمی»<sup>۱</sup> در دعوا یاد می‌شود. اصل لزوم ارائه تمامی جهات قانونی در دعوی اقامه‌شده، مسئولیت مهمی را متوجه اصحاب دعوا و وکلای آنها می‌کند، زیرا هرگونه سهل‌انگاری در ارائه جهات قانونی مبنای ادعا یا ادعاهای طرح‌شده می‌تواند آنها را از احقاق حقوق خود باز دارد. امری که به نوبه خود اصحاب دعوا را به سمت اقامه دعوی مسئولیت، به دلیل عدم ارائه تمامی جهات قانونی در دعوی طرح‌شده، علیه وکلای خود هدایت می‌نماید.<sup>۲</sup>

1. Principe de la concentration des moyens

2. Loïc Cadiet et Emmanuel Jeuland, **Droit judiciaire privé**, 9e édition,

هر چند به اعتقاد برخی از محققان دانش حقوق، این رأی دیوان عالی کشور، بر مینا و پایه اصل «صداقت در دادرسی» صادر شده است،<sup>۱</sup> اما مهم‌ترین دغدغه دیوان عالی کشور در صدور رأی پیش‌گفته، حجم انبوه دعاوی طرح‌شده در دادگستری و ضرورت پیشگیری از طرح دعاوی بوده است. دیوان عالی کشور فرانسه در آراء متعددی که پس از رأی یادشده صادر نموده، نه تنها مفاد این رأی را تأیید کرده است، بلکه بر اصل «لزوم ارائه تمام جهات دفاعی در دعوا»<sup>۲</sup> از سوی خواننده نیز تأکید نموده است.<sup>۳</sup> رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور فرانسه که به دلیل نام خانوادگی طرفین دعوا در نوشته‌های حقوقی از آن با عنوان رأی «سزارو»<sup>۴</sup> نام برده می‌شود، مورد نقد گسترده حقوقدانان و استادان فرانسوی قرار گرفته است.<sup>۵</sup> از نظر برخی از نویسندگان علم حقوق، این رویه دیوان عالی کشور مزبور مغایر با اصول دادرسی بوده، می‌تواند به استنفاد از احقاق حق منجر شود، زیرا رسیدگی به امر قضاوت‌نشده را - با فرض داشتن اعتبار امر قضاوت‌شده - غیرقابل پذیرش می‌داند.<sup>۶</sup> از نظر «روژه پرو» - استاد برجسته حقوق دادرسی مدنی - رأی دیوان عالی کشور، مفهوم «وحدت سبب» را عملاً از محتوای خود تهی و نسبی بودن اعتبار امر قضاوت‌شده را بی‌اثر نموده است.<sup>۷</sup> انتقاد حقوقدانان موجب شده تا دیوان عالی کشور مذکور در برخی موارد رویه خود را تعدیل نماید. چنانکه برای نمونه، شعب ۲ و ۳ دیوان عالی کشور ردّ دعوا به استناد ایراد امر قضاوت‌شده به دلیل تغییر جهت

→ LexisNexis, 2016, p. 616.

1. Serge Guinchard, Frédérique Ferrand et Cécile Chainais, **Procédure civile**, 33e édition, 2016, p. 767.
2. Principe de la concentration des moyens de défense
3. Com. 20 février 2007, Bull. civ. IV, n° 49.
4. Arrêt Cesareo

۵. برای مطالعه و مشاهده پاره‌ای از نقدها نک:

- RTD civ.** 2006-4, 825, obs. R. Perrot ; **Dalloz**, 2006, 2135, note Weiller; **JCP**, 2007, II. 10070, note G. Wiederkehr.
6. Serge Guinchard, « L'autorité de la chose qui n'a pas été jugée à l'épreuve des nouveaux principes directeurs du procès civil et de la simple faculté pour le juge de changer le fondement juridique des demandes », **Mélanges**, G. Wiederkehr, **Dalloz**, 2009, p. 379.
  7. Roger Perrot, Chose jugée. Sa relativité quant à la cause: qu'en reste-t-il ?, **RTD Civ.** 2006, p.825.

حکمی ادعا را به موردی محدود نموده‌اند که امور موضوعی مبنای جهات قانونی در هر دو دعوا یکسان باشد.

در این راستا فرضی را که رویدادهای بعد از نخستین دعوا، وقایع حقوقی مبنای دعوا را اصلاح نماید از شمول اعتبار امر قضاوت‌شده خارج دانسته‌اند.<sup>۱</sup> علی‌رغم تعدیل انجام‌شده، رأی مورخ هفتم ژوئیه سال ۲۰۰۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورد بحث، حاکمیت خود را بر مفهوم جدید «سبب» در حقوق دادرسی مدنی فرانسه حفظ نموده است.

یادآوری این نکته مناسب می‌نماید که هیأت عمومی دیوان عالی کشور فرانسه از رئیس دیوان عالی کشور و رؤسای شعب شش‌گانه این دیوان و دو تن از قضات هریک از شعب (در مجموع ۱۹ قاضی) تشکیل می‌شود. ارجاع پرونده به هیأت عمومی دیوان مزبور براساس مواد ۴۳۱ - ۴۳۶ قانون سازمان قضایی این کشور، در موارد زیر امکان‌پذیر می‌باشد:

۱. هنگامی که دعوا ناظر به یک امر حکمی تعیین‌کننده و مهم است و ضرورت دخالت هیأت عمومی دیوان عالی را ایجاب می‌نماید.
۲. در فرضی که نسبت به یک موضوع آراء متهاافت از مراجع قضایی رسیدگی‌کننده به ماهیت دعوا یا شعب دیوان عالی کشور صادر شده باشد.
۳. در مواردی که دعوای موضوع فرجام‌خواهی پس از نقض به شعبه هم‌عرض دادگاه صادرکننده رأی، ارجاع و رأی مرجع اخیر به استناد همان موارد نقض پیشین، مورد فرجام‌خواهی مجدد قرار گیرد.

دادنامه هیأت عمومی دیوان عالی کشور<sup>۲</sup>

«براساس رأی فرجام‌خواسته (رأی مورخ ۲۹ آوریل ۲۰۰۳ دادگاه تجدیدنظر آژان)، فرجام‌خواه دادخواستی علیه برادر خود - تنها ورثه دیگر متوفی - مبنی بر مطالبه حقوق معوقه مترتب بر ماترک پدر خود تقدیم نموده است با این استدلال که پیش از درگذشت پدرش، بدون دریافت حق‌الزحمه در شرکت وی مشغول به

1. Civ. 3e , 20 janvier. 2010, n° 08-70.206, Bull. Civ.2010, III, n°17; Civ. 2e, 6 mai 2010, Bull. Civ.2010, II, n° 88.

۲. به نقل از :

کار بوده است. دادگاه نخستین با این استدلال که فعالیت مورد اختلاف در چارچوب بهره‌برداری زراعی انجام نشده است، حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌نماید. فرجام‌خواه مجدداً دعوایی را بر مبنای دارا شدن ناعادلانه با خواسته مطالبه همان مبلغ، علیه برادر خود اقامه می‌نماید.

فرجام‌خواه نسبت به رأی دادگاه تجدیدنظر که تصمیم دادگاه نخستین مبنی بر ردّ دعوا را به استناد اعتبار امر قضاوت‌شده تأیید نموده است، اعتراض و چنین استدلال نموده است که: «اعتبار امر قضاوت‌شده تنها در فرض وحدت سبب ایجاد می‌شود؛ بدین معنا که دعوی اقامه‌شده بر مبنای قانون یا اصول حقوقی یکسان اقامه شده باشد. نظر به اینکه دادگاه تجدیدنظر در رأی صادر شده، دعوی نخستین و دوم فرجام‌خواه را که به ترتیب بر پایه حقوق معوقه موضوع قانون کشاورزی و دارا شدن ناعادلانه اقامه شده بود، دو دعوا با سبب واحد تلقی نموده است. بنابراین، استنباط صحیحی از محتویات پرونده نداشته و ماده ۱۳۵۱ قانون مدنی<sup>۱</sup> و ماده ۴۸۰ قانون آیین دادرسی مدنی<sup>۲</sup> را نقض نموده است.»

اما نظر به اینکه از یکسو «خواهان، مکلف است تمامی جهات [قانونی] را که از نظر وی مبنای دعوا را تشکیل می‌دهد در دادرسی راجع به نخستین دعوی اقامه‌شده ارائه نماید و از سوی دیگر، مطابق رأی دادگاه تجدیدنظر، هر دو دعوی اقامه‌شده بین اصحاب دعوای واحد و با هدف مطالبه مبلغی پول به عنوان حق الزحمه انجام کاری که طبق ادعا عوض آن پرداخت نشده، اقامه شده است. بر این اساس، دادگاه تجدیدنظر به درستی استنباط نموده است که فرجام‌خواه نمی‌تواند با استناد به مبنای حقوقی دیگری [دارا شدن ناعادلانه] که در زمان مناسب ارائه نشده است، نسبت به وحدت سبب دو دعوا اعتراض نماید؛ چراکه دعوا پیش‌تر مورد رسیدگی قرار گرفته و واجد اعتبار امر قضاوت‌شده می‌باشد.

۱. ماده ۱۳۵۱ (سابق) قانون مدنی فرانسه بر وجود وحدت اصحاب دعوا، وحدت موضوع و وحدت سبب به عنوان شرایط تحقق اعتبار امر قضاوت‌شده تأکید نموده است. مفاد این ماده در ماده ۱۳۵۵ قانون اصلاح قانون مدنی فرانسه، موضوع تصویب‌نامه مورخ دهم فوریه ۲۰۱۶، تکرار شده است.

۲. ماده ۴۸۰ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه احکام و نیز برخی از قرارهای صادرشده را نسبت به آنچه که مورد رسیدگی قرار گرفته و موضوع دعوا بوده، واجد اعتبار امر قضاوت‌شده دانسته است.

بر این مبنا جهت نقض استنادشده از طرف فرجام‌خواه، موجه نمی‌باشد و بنا به استدلال‌های پیش‌گفته، رأی به ردّ فرجام‌خواهی صادر می‌شود».